

معرفی سندی ارزشمند درباره وزارت اوقاف در دوره زندگی

عمادالدین شیخ الحکمایی

از همان سده‌های آغازین ظهور اسلام، مسئله وقف به یکی از مهمترین مسایل حکومت‌های اسلامی تبدیل شد. عامل این اهمیت و توجه نیز گسترش روز افزون موقوفات در سراسر دنیای اسلام بود. متولیان وقف و علما و قضات در هر شهر، عامل و ناظر بر مفاد وقفنامه‌ها بودند و حکومتگران نیز در هر دوره قاضی القضاات یا مستوفیانی را مسؤول رسیدگی به امور مساجد و بقاع و موقوفات قرار می‌دادند. به رغم این توجهات، در دوره صفویه است که برای اولین بار در نظام اداری و اسناد دیوانی با نام «وزیر موقوفات» برمی‌خوریم.^۱

علت توجه بیش از حد صفویان را به امر وقف می‌توان در فراوانی موقوفات آستان قدس رضوی و بقاع امامزادگان و سادات، و مدرسه‌های علمی و کاروانسراها و آب‌انبارها و... دانست. روند اعتنا و اهتمام به امور وقف، بعد از این دوره نیز - به رغم تلاش‌های نافرجام نادرشاه در ابطال موقوفات - ادامه یافت، تا آنجا که در دوره زندگی، کریم‌خان برای تأیید و احیای دوباره موقوفات، وزیری «بالانفراد و الاستقلال» در امر موقوفات برگزید. سند این مدعا، فرمان یگانه و منتشر نشده‌ای است که آقای دکتر خرومی در اختیار مجله وقف قرار داده است. از ایشان سپاسگزاریم.

۱. رک: تذکره الملوک، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۶۸، ص ۲ و ص ۴۴.

نیز: پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، هربرت بوسه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات، ۱۳۶۷، ص ۱۸۷ و ۲۰۰.

این سند، در سال ۱۱۷۷ هـ. ق به خط شکسته نستعلیق نگارش یافته، اندازه آن ۳۰ در ۴۳ سانتی متر و کاغذ آن فرنگی است. به موجب این فرمان، کریم خان زند شخصی را به نام میرزا زین العابدین به وزارت موقوفات برگزیده است. متأسفانه، توضیح یا شرح حالی درباره این شخص یافت نشد.

این سند در مجموع ۸ مهر دارد که دو مهر آن - روی سند - از آن کریم خان زند، و شش مهر دیگر - پشت سند - از وزیران و مستوفیان دیوان اوست. در تذکرة الملوك آمده است:

هر رقم و حکمی که تهیه می شد، بایستی به امضا و مهر وزیران دیوان اعلی، مستوفی الممالک، ناظر دفترخانه همایون اعلی و داروغه دفترخانه و سپس به خط و مهر صاحب توجیه دیوان اعلی می رسید. ۲

گفتنی است که سجع کامل مهر کریم خان زند، عبارت «یامن هو بمن رجاه کریم، ۱۱۷۵» است و در کتابهایی که در این زمینه به چاپ رسیده، به طور ناقص درج شده است.

و اما مهرهای پشت سند، عبارت است از:

۱. مهر شماره یک، مهر «محمدعقیل العلوی» وزیر دیوان اعلای کریم خان زند است. نکته ای که ذکرش در اینجا لازم است، این است که در کتاب گلشن مراد تألیف ابوالحسن غفاری (در سال ۱۱۹۷ هـ. ق) ماجرای نابینا شدن و به قتل رسیدن محمدعقیل علوی - به اتهام همراهی با تراب خان چگنی خراسانی و خواجهگان حرم در توطئه قتل کریم خان - جزو وقایع سال ۱۱۷۶ ذکر شده است. حال آنکه این سند ثابت می کند که میرزا عقیل علوی در جمادی الاول سال ۱۱۷۷ هـ. ق نیز وزیر دیوان

۲. مقدمه ای بر شناخت اسناد، دکتر جهانگیر قائم مقامی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۲۹۵.

۳. گلشن مراد، ابوالحسن غفاری، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، زرین، ۱۳۶۹، ص ۲۲۷.

۴. همان، ص ۲۳۱.

۵. همان، ص ۲۳۱.

۶. همان، ص ۶۸۸.

۷. همان، ص ۴۱۲.

۸. رك: پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۱۸۷ و ۲۰۰؛ تذکرة الملوك، ص ۱۴۷.

اعلی بوده است. این اشتباه مؤلف گلشن مراد را باید به حساب آن گذاشت که کتاب وی ۲۰ سال پس از این واقعه تألیف شده است. ۳

۲. مهر دوم با نقش «محمد رسول الله» باید از آن میرزا محمد بروجردی باشد که «از جمله مستوفیان عظام دفترخانه همایون» بود و پس از مرگ عقیل علوی «منصب استیفای ممالک محروسه» به او واگذار شد. ۴

۳. مهر دیگر، نقش «عبده محمدجعفر الحسینی، ۱۱۷۴» را دارد. این شخص در سال ۱۱۷۷ وکیل اصفهان بود و بعد از مرگ میرزا عقیل، به وزارت دیوان اعلی رسید. ۵

۴. صاحب مهر بعدی با نقش «عنایت الله ابن محمد ابراهیم» شناخته نشد.

۵. این مهر، تنها نام «باقر» را دارد و باید از آن باقرخان حاکم اصفهان باشد. در گلشن مراد درباره وی آمده است: «اصل مولد و منشأش از خراسکون اصفهان [بود] او در عهد سلطنت نواب مغفرت نشان، از مرتبه کدخدایی بلوک خراسکون به مرحله دارالسلطنه اصفهان رسید. ۶»

۶. از این مهر، تنها کلمه «الحسینی» خوانده می شود و شاید از آن میرزا جعفر حسینی - پسر عموی میرزا محمد جعفر حسینی یاد شده (وزیر دیوان اعلی پس از قتل میرزا عقیل) - باشد.

از این فرد، اشعاری نقل شده و تخلص شعری او «صافی» است. ۷

نکته آخر که باید بدان اشاره کرد، عبارت «سرکار فیض آثار» در متن سند است که منظور از آن، به استناد سندی از دوره صفوی، موقوفات آستان قدس رضوی است. ۸

متن فرمان کریم خان زند

۱. فرمان عالی شد آنکه از روزی که وزیر دیوان قضا و دبیر کارخانه «اعطی کل شیعی خلقه تم هدی» به رقم طرازی کلک تقدیر نشان و نشان کشورگشایی و یرلیغ بلیغ مملکت آرایی را/
۲. به نام نامی وکلای عالی نگاشته و به برکت تولای خاندان طیبین سررشته قبض و بسط امور عالم اسباب را به کف کفایت و قبضه درایت این نیازمند الطاف جناب لایزالی/
۳. بازداشته، بنابر مصلحت سنجی نظام جمیع مهام، همواره پیش نهاد خاطر فیض ارتسام فرموده ایم که هریک از نجبای عالی مقام و اکابر ذوالمجدد و الاحترام که آثار نجابت از جبین احوالشان/



۴. مانند بارقه بدر منیر و شعله مهر عالم گیر بر عالمیان عیان، و به شیوه ستوده و صاف ضمیری مشهور آسنه و معروف جهانیان شده باشند، ایشان را رفعت کزین مدارج علیا و مورد عنایات «لایعد [و] لایحصی»/
۵. فرماییم. از آنجا که ما صدق این مقال، حال فرخنده خصال عالی جاه رفیع جایگاه سیادت و سعادت پناه سلاله دودمان مصطفوی نقاوه خاندان مرتضوی خلف السلاطین العظام/
۶. دولت خواه صداقت فرجام میرزا زین العابدین است که اشعه انوار «ان الذین سبقت لهم منا الحسنى» از چهره شاهد حالش تابان، و پرتو آثار «السابقون السابقون»/
۷. اولئک المقربون» از وجنات احوالش عیان می باشد. لهذا، مشارالیه را که از اختصاص یافتگان بزم ارم تزیین و باریافتگان محفل خلدقرین است، از ابتدای چهارماهه/
۸. هذه السنه ميمونه قوی ٹیل به رتبه بلند و منصب ارجمند وزارت موقوفات سرکار فیض آثار و سایر موقوفات ممالک محروسه مفتخر؛ و مبلغ پنجاه تومان تبریزی نقد و مقدار پنجاه خروار - به وزن تبریز - جنس از بابت مالیات/
۹. به ضمیمه مقرری سالیانه در وجه او مقرر فرمودیم که به انضمام رسم الوزاره معمولی، در هذه السنه قوی ٹیل و مابعدھا، هر ساله بازیافت و صرف معاش خود نموده، از روی اطمینان خاطر و خاطر جمعی تمام/
۱۰. به لوازم و مراسم شغل مزبور قیام، و در نظم و نسق محال موقوفات و رونق و رواج امور مساجد و بقاع کثیرالارتفاع سعی موفور و اهتمام نامحصور به منصفه ظهور رسانیده؛/
۱۱. دعای خیر به جهت ذات والاصفات عالی حاصل، و مثنویات او را به روزگار فرخنده آثار واقفان خیر موافقان - علیهم الرحمة والغفران - واصل سازد. متصدیان و مستاجران/
۱۲. و زارعان و مباشرین امور کُل محال موقوفات دارالسلطنه اصفهان و سایر ممالک، در جمیع ابواب به نحو مقرر معمول و در انجام مهام حسب الارشاد عالی جاه وزیر مشارالیه سعی موفور/
۱۳. مبذول داشته؛ در سخن و صلاح او که منوط به انتظام و انتساق و آبادی و معموری و رونق و رواج مساجد و مدارس و بقاع کثیرالارتفاع و حصول دعای خیر به جهت ذات قدسی صفات عالی/
۱۴. می باشد، عدول و انحراف نورزیده؛ رتق و فتق امور مقررہ را محول به او دانند. عالی جاه رفیع جایگاه عقیدت و اخلاص آگاه ارادت و صداقت آگاه سلاله النجباء العظام/
۱۵. مخلص ارادت فرجام حاکم و عالیشانان سمو القدر و المکانان کلانتر و وزیر و مستوفی و سایر عمال خجسته اعمال دارالسلطنه اصفهان و مباشرین امور موقوفات و متولیان مساجد و مدارس/
۱۶. و بقاع، عالی جاه مشارالیه را وزیر بالانفراد و الاستقلال موقوفات سرکار فیض آثار و سایر موقوفات دانسته، لوازم امر مزبور را مخصوص او، و تنخواه مقرری/
۱۷. او را در هذه السنه قوی ٹیل و مابعدھا مهمسازی؛ و من بعد در این خصوص مطالبه صدور فرمان مجدد ننمایند. تحریراً فی شهر جمادی الاول سنه ۱۱۷۷. [مهر] «یامن هو بمن رجاء کریم، ۱۱۷۵»

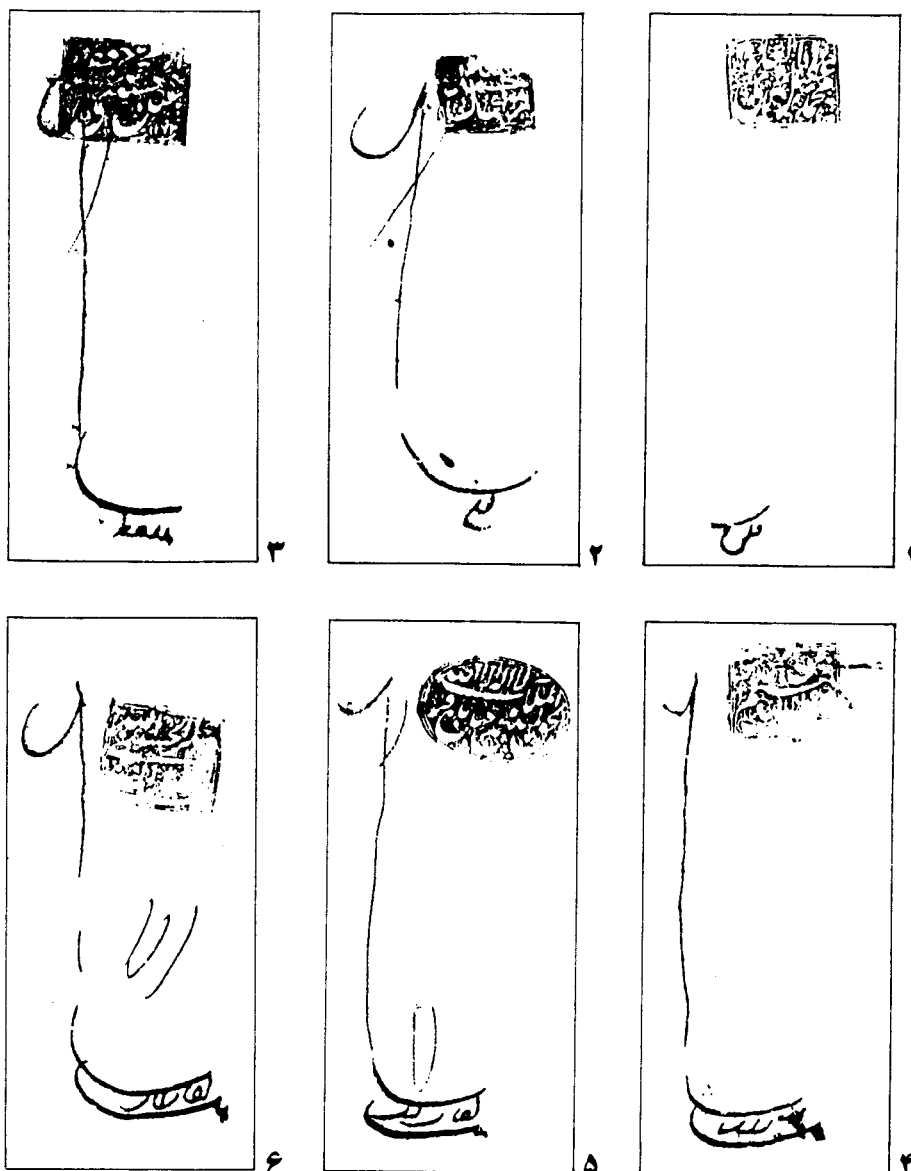
متن حاشیه سند:

مقرر آنکه مباشرین امور و داد و ستد تنخواه موقوفات و طلبه علوم دینیہ/

و مدرسین در هر باب و هر مورد حسب المسطور مقرر داشته/

اعزاز و احترام مشارالیه را از لوازم دانند و درعهده شناسند.

تحریراً فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۷۷. [مهر] «یامن هو بمن رجاء کریم، ۱۱۷۵»



مهرهای پشت سند:

۱. قلمی شد. [مهر:] «محمدعقيل العلوی»
۲. نوشته شد. [مهر:] «محمد رسول الله»
۳. ملاحظه شد. [مهر:] «عبيده محمد جعفر الحسيني، ۱۱۷۴»
۴. ثبت ... شد. [مهر:] «ابن محمد ابراهيم، عنايت الله»
۵. ثبت ... شد. [مهر:] «لااله الاالله الملك الحق المبين، عبده باقر»
۶. ثبت دفاتر انشا[?] شد. [مهر:] «... الله، الحسيني»